

دانش و دانشوران خراسان بزرگ

(بررسی مراکز علمی و فرهنگی و دانشمندان و آثار آنها در هزاره می اول هجری قمری)

در خراسان بزرگ

پژوهش و محارث:

محمد رستمی

سر شناسه	رستمی، محمد، ۱۳۴۱
عنوان و نام پدیدآور	دانش و دانشوران خراسان بزرگ مولف محمد رستمی
مشخصات نشر	تهران: کتاب اطهر، ۱۳۹۵
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۸۱۳۴-۲۶-۸
وضعیت فهرست نویسی	فیا
موضوع:	ایران - خراسان
موضوع	تاریخ
موضوع	آموزش و پرورش
رده کنگوه	۱۳۹۵ خر/خ / LA۳۵۴
رده دیویی	۳۷۰
شماره کتابخانه ملی	۴۳۱۷۹۹۳



دانش و دانشوران خراسان بزرگ



کتاب اطهر

میراث : محمد رستمی
 ناظر فنی : محمد حسین اطهر
 طراحی جلد : حسنا حجتی
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۳۴-۲۶-۸
 نوبت چاپ : ۱۳۹۵ / ار
 شمارگان : ۱۰۰۰
 قیمت : ۱۵۰۰۰ تومان



دفتر: تهران- خیابان قصرالدشت - نبش بوستان سعدی- پلاک ۵۵۵- واحد همکف ۶۶۸۷۲۹۵۸-۰۹۳۰۰۰۳۲۰۲۱

www.atharbook.ir
 atharbook@elenoon.ir

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

پیشگفتار ۷

سرآغاز (شهرنشینی در دوره اسلامی) ۱۳

نگاهی به تاریخچه و چگونگی شکل گیری نخستین مراکز فرهنگی و آموزشی

اسلامی ۱۶

۱. مسجد ۱۸

۲. مکتب ۱۹

۳. مدرسه ۲۱

۴. خانقاه ۲۴

۵. کتابخانه ۲۶

۶. بیمارستان ۲۷

۷. دیگر مراکز ۲۸

بخش اول

« خراسان » وجه تسمیه، حدود ۲۹

شهر، مفهوم و انواع آن در دوران اسلامی ۳۶

بخش دوم

بررسی اوضاع علمی - فرهنگی شهرهای خراسان ۴۰

نیشابور (ابر شهر علم ادب و فرهنگ) ۴۰

الف. مدارس نیشابور ۴۳

نظامیه ۴۴

مشهورترین استادان نظامیه ها ۵۰

نظامیه ی نیشابور	۵۴
معروفترین استادان نظامیه ی نیشابور	۵۴
دانشمندانی که در این نظامیه دانش آموختند و در آنجا مقیم شدند	۵۶
دیگر مدارس نیشابور	۵۶
مسجدهای نیشابور	۶۱
کتابخانه های نیشابور	۶۴
دُوبیره ها و خاناتاه های نیشابور	۶۶
بیمارستان های نیشابور	۶۷
مهمترین شخصیت های علمی نیشابور	۶۸
بیهق	۸۶
مراکز علمی - فرهنگی بیهق	۸۸
مساجد بیهق و نواحی آن	۸۸
مدارس بیهق و نواحی آن	۹۰
مهمترین شخصیت های علمی (دانشمندان) بیهق	۹۰
خروگرد خواف	۹۷
مرو	۹۸
شخصیت های معروف علمی مرو	۱۰۰
مراکز مهم علمی - فرهنگی مرو	۱۰۵
الف. مساجد مهم مرو	۱۰۶
ب. مدارس مهم مرو	۱۰۷
مدرسه ی نظامیه ی مرو	۱۰۸
مهمترین مدرسان و دانش آموختگان نظامیه مرو	۱۰۸

ج. کتابخانه های مرو	۱۱۱
بیمارستان مرو	۱۱۲
رباط مرو	۱۱۳
مرو رود	۱۱۳
مراکز علمی مرو رود	۱۱۳
هرات	۱۱۴
مهمترین مراکز علمی - فرهنگی هرات	۱۱۸
خانقاه های هرات	۱۱۹
مهمترین حظیره های هرات	۱۲۱
کتابخانه های مشهور هرات	۱۲۱
نظامیه ی هرات	۱۲۲
مهمترین مدرسان و دانش آموختگان نظامیه ی هرات	۱۲۲
دیگر مدارس هرات	۱۲۳
دانشمندان و مدرسان نامدار مدارس هرات	۱۲۵
دیگر دانشمندان و مدرسان مشهور هرات	۱۲۸
مساجد معروف هرات	۱۳۰
پوشنگ (مهمترین شهر نزدیک هرات)	۱۳۱
مراکز علمی - فرهنگی پوشنگ و دانشمندان نامدار آن	۱۳۲
بلخ	۱۳۳
شخصیت های مشهور بلخ	۱۳۹
مراکز علمی - فرهنگی بلخ	۱۴۸
مهمترین مساجد و مدارس بلخ	۱۴۹

۱۵۱.....	مدرسه نظامیه بلخ
۱۵۲.....	مهمترین مدرسان و دانش آموختگان نظامیه بلخ
۱۵۴.....	طوس
۱۵۸.....	مراکز علمی - فرهنگی طوس
۱۵۸.....	مدرسه نظامیه طوس
۱۵۸.....	دیگر مدارس طوس
۱۵۹.....	خانقاه طوس
۱۵۹.....	معروف ترین شخصیت‌های علمی طوس
۱۶۴.....	سرخس
۱۶۷.....	مراکز علمی - فرهنگی سرخس
۱۶۸.....	خانقاه های سرخس
۱۶۸.....	مدارس سرخس
۱۶۸.....	مساجد سرخس
۱۶۹.....	دانشمندان سرخس
۱۷۴.....	نسا
۱۷۷.....	مراکز علمی - فرهنگی نسا
۱۷۷.....	مهمترین دانشمندان نسا
۱۷۹.....	یادداشت های پیشگفتار
۱۸۰.....	یادداشت های سرآغاز
۱۸۳.....	یادداشت های بخش اول
۱۸۶.....	یادداشت های نیشابور
۱۸۸.....	یادداشت های بیهق

۱۸۹	یادداشت های خرگرد خواب
۱۹۰	یادداشت های مرو و مروالروء
۱۹۱	یادداشت های هرات و پوشنگ
۱۹۴	یادداشت های بلخ
۱۹۶	یادداشت های طوس
۱۹۸	یادداشت های سرخس
۱۹۹	یادداشت های سا
	فهرست اعلام :
۲۰۰	الف - نمایه ی المختار
	ب - نمایه ی جای ها
	کتابنامه :



بررسی عناصر علمی در دنیای کنونی، بدون اطلاع دقیق از گذشته ی آنها، کاری چندان دقیق نمی تواند بود. این یک امر کلی است و در مورد تمام شاخه های دانش و مخصوصاً علوم نظری مصداق دارد.

بی تردید تاریخ یک مکتب یا مکتب فکری تنها تاریخ پیروزی ها و شکست های سیاسی و فراز و فرود آن نیست، بلکه آنچه مهم است، سیر تحول فرهنگی و دگرگونی های مظاهر تمدن آن قوم یا مکتب است و همان است که تاریخ حقیقی یک قوم یا مکتب را تشکیل می دهد.

تاریخ اسلام در حقیقت تاریخ تمدنی است که در دوره ی مهمی از تاریخ - یعنی قرون وسطی - تقریباً در سرتاسر جهان مطرح بوده است. برجی زیدان معتقد است که: « تاریخ اسلام مانند حلقه ای است که تاریخ دنیای قدیم را با تاریخ جدید وصل می کند»^(۱) و این نظریه ی درستی است، زیرا اسلام تمدنی را پایه ریزی کرده که، خردی از پایه های تمدن جدید جهان به شمار می آید.

اصولاً انسان نیازمند آگاهی دقیق از گذشته ی خویش و تمدن های دوره های قبل است و به همین دلیل است که صاحب نظری گفته است: آنان که گذشته خویش را فراموش می کنند محکوم به تکرار آن هستند»^(۲). شناخت تمدن ها از ضروریات زندگی انسان های با فرهنگ است و بدیهی است که این شناخت تنها از راه بررسی مظاهر تمدن ها امکان پذیر خواهد بود. تمدن ها عموماً در دو جنبه « مادی» و « معنوی» تجلی می یابند، جنبه ی مادی هر تمدن همان آثار عینی بجا مانده از آن تمدن است که به شکل آثار باستانی و در نمودارهای هنری و

فرهنگی برجای مانده اند. اما جنبه‌ی معنوی تمدن‌ها یعنی تجلیات فرهنگی و علمی آنها است که هر چند نمودی عینی ندارند با این حال از اهمیت بیشتری برخوردارند. این جنبه‌ها در طی قرون و اعصار، نسل به نسل منتقل می‌شوند. اگرچه این دو پدیده و دو جنبه‌ی تمدن، جدایی ناپذیر و دارای ارتباط محکم اند، با وجود این، روش علمی در پژوهش ایجاب می‌کند که هر یک به طور مستقل و جداگانه مورد بررسی و تفحص قرار گیرند.

در اینجا باید نکته‌ای را یادآور شد و آن این است که هرگاه سخن از تمدنی به میان می‌آید، همه عناصر دخیل در با گرفتن و اعتلای آن، مدنظر است. از جمله‌ی مهمترین این عناصر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: جایگاه سرزمینی که مهد تمدن موردنظر بوده، عظمت و وسعت جغرافیایی آن سرزمین، میزان ثروت و غنای مادی؛ فرهنگ خاص ملتی که در سایه آن تمدن می‌زیند و احتمالاً خود موجبات آن و مسائلی از این قبیل. علاوه بر اینها در پژوهش درباره تمدن‌ها لازم است که اوضاع اجتماعی و چگونگی ورود به تمدن یا ایجاد آن نیز مورد بررسی دقیق قرار گیرد. بنابراین شناخت یک تمدن در گرو بررسی همه جانبه‌ی تجلیات تمدن‌هاست.

پژوهش در جنبه‌ی مادی هر تمدن و تتبع در تجلیات عینی مادی آن، کاری تخصصی و فنی است که تنها در توان افرادی است که در مورد شناخت سازه‌ها آثار مادی فرهنگ‌ها سرشته و تبخّر دارند و با کمک وسایل پیچیده، به تحقیق در این زمینه می‌پردازند. اما تحقیق در جنبه‌های معنوی تمدن‌ها علاوه بر اینکه نیازمند پژوهشگر ذی‌صلاح است، به پشتکار و دقت و توجه خاص نیز منوط است، این شاخه از تمدن‌ها هر چند که ظاهراً نیازی به ابزار پیچیده ندارد با این حال بسیار دشوارتر از بررسی جنبه‌های مادی است زیرا اولاً گستره‌ی این جنبه بسیار وسیع است و ثانیاً دستیابی به اسناد و مدارکی که روشنگر ویژگی‌های تمدن‌هاست، دشوار است از این روی جز در سایه‌ی تحمل دشواری و دقت نظر فراوان و مطالعه‌ی مستمر و استقامت و پشتکار نمی‌توان به اسناد و مدارک ارزشمند برای این پدیده دست یافت، چرا

که این مدارک، آنچنان در لابلای اسناد علمی و زوایای کتابها، نهفته اند که یافتن و تدوین کردن آنها اگر دشوارتر از تحقیق در جنبه ی مادی تمدن نباشد هرگز آسان تر از آن نیست. البته این شاخه از پژوهش خود دارای رشته های متفاوت است، برای مثال می توان اشاره کرد که یک جنبه ی معنوی هر تمدن را بخش فکری آن تشکیل می دهد و جنبه ی فکری خود، نحله های مذهبی، مکتب های فلسفی و گروه های اعتقادی را در بر می گیرد و هر یک از اینها دارای تقسیم بندی های گوناگون و از نظرهای مختلف قابل بررسی اند. واضح است که در بررسی یک تمدن باید این موارد با ظرافت مورد مذاقه قرار گیرند زیرا کوچک ترین بی توجهی، چه با کار آثار سوء جبران ناپذیری بر نتیجه ی تحقیق باقی بگذارد.

وجود رشته ها و شاخه های رنگارنگ در جنبه ی معنوی تمدن ها ایجاب می کند که هر مورد به روش خاص و در مجرای خود مطالعه گرفته شود؛ مثلاً در بررسی یک تمدن، لازم است که شخصیت های نامدار که در آن تمدن پرورده شده اند، پرداخت و در مورد آثار علمی برجای مانده از این اشخاص، مطالعه نمود و یا دانش های رایج و مورد توجه در زمان درخشش آن تمدن را به بررسی گرفت و مراکز علمی را که در سرزمینی که مهد آن تمدن، مطالعه و تحقیق قرار داد.^(۳) بدیهی است که بین این شعبه ها یا شاخه های گوناگون در این تحقیقات، ارتباطی عمیق و محکم وجود دارد و هر چند که هر یک بخشی مستقل را می طلبند با اینحال در بررسی هر یک، ناگزیر به لحاظ کردن دیگر نمودها هستیم. تحقیق و تدقیق درباره ی سازه های مادی فرهنگی، یعنی همان جنبه ی مادی تمدن به جایی که انسان شناسان است. یعنی بررسی در ساختمان ها و ویژگی های آنها. اما در مطالعه جنبه ی معنوی تمدن ها، بیشتر به موقعیت و اهمیت علمی اینگونه بناها پرداخته می شود و اگر گاهی به ظواهر این اماکن از جمله وسعت و مکان جغرافیایی و مواردی از این قبیل اشاره می شود، تنها برای تکمیل کردن بحث خواهد بود.

نکته ی قابل ذکر دیگر آن که معمولاً فرهنگ ها و تمدن های بشری دوره هایی را در جهان طی کرده اند از جمله دوره «پیدایش» و سپس «رشد» و «کمال» و البته برخی از آنها در نهایت

«زوال» یافته اند. همچنین باید دانست که زوال مظاهر مادی همیشه به معنی نابودی قطعی و کلی تمدن‌ها نیست و چه بسا تمدن‌هایی که هر چند از نظر مادی سیر قهقرای پیموده و ظاهراً معدوم شده اند، با این حال از نظر معنوی به کلی زوال نیافته اند بلکه حضور معنوی خود را برای مدت‌های بسیار طولانی حفظ کرده اند.

در شناخت سرزمین‌هایی که مهد تمدن‌های کهن و نو بوده اند نیازمند تقسیم بندی دوره ای جغرافیایی هستیم به این معنی که اگر تمدنی در سرزمینی بسیار وسیع ساری و جاری و در قرون متعادی، دارای اقتدار بوده است، قطعاً برای بررسی آن- به صورتی علمی و دقیق- ناچاریم که، اولاً، از نظر اهمیت و مرکزیت، آن سرزمین را به ناحیه‌هایی کوچک تر تقسیم کنیم و ثانیاً از نظر اوج تیرگی و رخسش، دوره‌هایی برای آن قائل شویم.

ایران یکی از بزرگترین و مهم‌ترین مراکز تمدن‌های بشری است. مطالعات گسترده‌ی محققان پیشین در دو شاخه‌ی مادی و معنوی تمدن ما- یعنی باستان‌شناسان و پژوهشگران آثار علمی و فرهنگی- موید این مطلب است. این سرزمین در ایران ظهور و اوج گیری اسلام نیز یکی از مرکزهای مهم و مهدهای تمدن اسلامی بشمار است. در روزگاری که جوامع غرب دوره‌ی انحطاط فرهنگی را طی می کرده اند و تیره‌ی روزی‌های قرن ه سطاس بر آنجا حاکم بوده، در شرق اسلامی و از جمله در ایران، تمدنی درخشان پرتو افکن بوده است. برخی اشخاص براساس روایاتی، فضل تقدم در نقل علوم اسلامی را به عرب‌ها داده اند، اما، اولاً، در صحت روایاتی که نقل کرده اند تردید وجود دارد،^(۵) ثانیاً در زمانی که حکومت و سیاست در دست عرب بود- یعنی بیش از یک قرن از آغاز اسلام- توجه چندان به علم صورت نگرفت و علی رغم دستورات صریح پیامبر گرامی(ص) اسلام، اشتغال به دانش اندوزی از نظر عرب از وظایف موالی و بندگان شمرده می شد. تنها پس از غلبه‌ی عنصر ایرانی و برانداختن حکومت اموی و تشکیل یافتن دولت عباسی بود که با نفوذ ملل غیرعرب در دستگاه خلافت، به دانش و دانش اندوزی توجه شد.

با بررسی در تاریخ قرون اولیه اسلامی و ورود اسلام به ایران روشن می شود که ایرانیان از معارف اسلامی استقبال شایان نموده و در همه رشته های علمی سرآمد دیگر دانشمندان شده اند. بسیاری از حاملان دانش در اسلام، ایرانی و از نواحی فارس و خوزستان و ری و اصفهان و خراسان و سمرقند و خوارزم و گرگان بوده اند و دلیل آنکه آنها را عرب قلمداد کرده اند، ظاهراً به گناه آن بوده که زبان نو ساخته ی آنها ظاهری عربی داشته است.^(۶) این عمل - یعنی قلمداد کردن دانشمندان ایرانی به نام عرب - به دو دلیل صورت گرفته یکی از روی نادانی نافتان و دیگری غرض ورزی برخی صاحب نظران و مورخان.

سرزمین «خراسان زرگ» از همان آغاز اسلام یکی از مهمترین و پهناورترین مناطق ایران محسوب می گردیده و ریشه و اعتلای تمدن اسلامی سهمی بسزا داشته است. در مورد عظمت این سرزمین و مراکز مهم علمی و دانشمندان عالی قدر در این دیار، تردیدی وجود ندارد، اما متأسفانه پژوهشگری که درباره ی خراسان و تاثیر و سهم این سامان در پیشرفت تمدن اسلامی سخن گفته اند، عموماً به کلی گویی بسنده کرده و اغلب اشارات و مطالبشان از انجام لازم برخوردار نیست و همین امر بازمی گرداند پژوهشی دقیق در این مورد را ایجاب می کند.

در تحقیق حاضر قصد آن بوده است که با بهره گیری از آثار استنادی و پژوهش و بررسی در آثار بجا مانده از گذشتگان و با تفحص و تتبع، چگونگی و سهم خراسان زرگ در ایجاد و پیشرفت تمدن اسلامی به مطالعه گرفته شود، بدیهی است که این مهم تنها به وسیله ی بررسی دقیق مراکز علمی و فرهنگی و دانشمندان و آثار آن ها که آفریده اند و برجای مانده است، امکان پذیر خواهد بود و ما در این اثر به این کار پرداخته ایم.

امید آن که متناسب با نیرو و زمانی که صرف این کار شده است، تأثیر گذار باشد و پایه ای برای پژوهش های بعدی به شمار آید.

در اینجا بر خود لازم می دانم که از همه بزرگوارانی که در انجام این کار و تهیه و تدوین این اثر به نحوی مؤلف را یاری کرده اند، سپاسگزاری کنم. نخست از آقایان دکتر محمد مهدی

ناصح، دکتر محمد رضا راشد محصل، کمال الدین غراب و مجید سیفی سپس از کتابداران محترم کتابخانه های دانشگاه تهران و مشهد و همچنین آستان قدس رضوی و دانشگاه آزاد نیشابور و دیگر شهرستان های استان خراسان تشکر می کنم.

همچنین آقایان حسین و عباس شریفی و سعید طلیمیان که در حروفچینی اولیه زحماتی را متقبل شده اند سپاسگزارم، همچنین از مسئولان محترم پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، رئیس محترم، معاونان گرامی و داوران بزرگوار و مخصوصاً مدیر محترم انتشارات پژوهشگاه جناب آقای زعفرانچی کمال امتنان را دارم.

در پایان از دانشجویان دوره ی دکتری و فوق لیسانس که زحمت نمونه خوانی و تهیه و تدوین اعلام (اشخاص) را پذیرفته اند، قدردانی می شود.

محمد رستمی - بهار ۱۳۸۹